

نقش جهاد کبیر در انقلاب اسلامی

محمد تقی صباغی میانایی^۱

سید محمد موسیو بجنوردی^۲

سید ابوالقاسم نقیعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

چکیده

مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که با توجه به دگرگونی اساسی انقلاب اسلامی در تمامی ابعاد و عرصه‌ها بر پایه اسلام و مشارکت مردم، نقش جهاد کبیر در انقلاب اسلامی چیست و چگونه می‌توان آن را رقم زد (مسئله). تحقیق حاضر از نوع مطالعات کیفی، روش تحقیق توصیفی-پیمایشی است. گردآوری اطلاعات در این مقاله با بهره‌گیری از منابع اسنادی، کتابخانه‌ای اعم از کتب، مقالات و سخنرانی‌ها انجام شده است (روش). جهاد کبیر ناظر به فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی است که با انقلاب اسلامی پیوند ناگسستنی پیدا کرده است و می‌توان گفت تفکر، روحیه و رفتار جهادی یعنی تفکر، روحیه و رفتار انقلابی، انقلابی‌گری موجب کسب اقتدار می‌شود و نداشتن روحیه جهادی باعث سستی و ذلت‌پذیری شده و اقتدار موجود را از دست می‌دهد. نتیجه آن آثار و برکات فراوانی در زندگی فردی و جمعی انقلاب اسلامی از جمله امنیت و آرامش است. در این پژوهش، نقش جهاد کبیر در انقلاب اسلامی با توجه به ابعاد گوناگون آن و نیز توجه به سیره عملی پیشوایان اسلام و رهبران انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: جهاد کبیر، انقلاب اسلامی، روحیه جهادی، سیره عملی

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد بازنشسته گروه فقه و مبانی حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه عالی شهید مطهری، تهران، ایران.

۱. مقدمه

در ایران در سال ۱۳۵۷ امام خمینی (ره) با رهبری حکیمانه خود نوعی از نظام سیاسی را بنیان‌گذاری کردند که الگوی نوینی از حکمرانی و حکومت‌داری را به نام جمهوری اسلامی به دنیا عرضه نمود. این نظام مقدس با تکیه بر اسلام ناب محمدی (ص)، ولایت و رهبری فقیه عادل جامع‌الشرایط؛ و مشارکت همه‌جانبه مردم خداجوی ایران در مقابل تمام قدرت‌های استکباری و طاغوتی ایستاد و مقاومت کرد، نظام جمهوری اسلامی، دموکراسی واقعی و مردم‌سالاری دینی را مستقل از انواع رژیم‌های سیاسی موجود و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنیا نشان داد. از پایه‌های اساسی که موجب ماندگاری و بقای انقلاب اسلامی و ثبات سیاسی جمهوری اسلامی گردید می‌توان از جهاد و فداکاری و ایثارگری نام برد. جهاد جوانان جمهوری اسلامی ایران موجب امنیت و آسایش برای مردم و اقتدار و بازدارندگی برای جمهوری اسلامی گردید، این وضعیت مرهون هشت سال دفاع مقدس و مدیریت جهادی و روحیه انقلابی بود که هنوز هم آثار و پیامدهای آن باقی است.

در شرایط کنونی با وجود توفیقات فراوانی که در اقتدار و پیشرفت و بازدارندگی مشهود است؛ الهام‌بخشی، نفوذ و اقتدار نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف که فضای منطقه را تصاحب نموده است و امثال آن‌ها تماماً نتیجه جهاد بوده است. با این وجود؛ احساس می‌شود، نقش جهاد و مدیریت جهادی در ایجاد اقتدار و بازدارندگی همه‌جانبه آن‌گونه که باید و شاید شناخته نشده و نسبت به آن باور قابل قبولی دیده نمی‌شود و شاید دست‌کم گرفته می‌شود. در میان برخی طیف‌های اجتماعی نیز گاهی نقش جهاد به چالش کشیده می‌شود و برخی عامدانه یا از روی جهل در این نقش تردید ایجاد می‌کنند. قدرت‌های بزرگ، دشمنان منطقه‌ای و عناصر چالشگر داخلی هر یک به شکلی خاص، درصدد هستند نقشی که جهاد در عرصه‌های مختلف ایفا نموده و باعث عزت و اقتدار ملت ایران و به تبع آن سایر ملت‌های مسلمان گردید را کم‌رنگ کنند تا بتوانند از این طریق به اهداف فرصت‌طلبانه خود برسند و برای نظام اسلامی محدودیت ایجاد کنند.

در چنین فرایند پر فراز و نشیبی است که نقش و تأثیر جهاد و اقتدار و مدیریت جهادی بیش از هر مقوله‌ای قابل توجه و سرنوشت‌ساز می‌باشد. بدیهی است تنها وجود چنین مفاهیمی برای مبارزه در عرصه تعیین سرنوشت کافی نیست بلکه تبیین صحیح و گفتمان‌سازی و پیش از آن، کاربرد تمام و کمال جهاد و اقتدار است که می‌تواند نسخه‌ای شفابخش برای دردها و آلام پرخطر انسان باشد. این گفتمان‌سازی باید به اکسیر پژوهش و مداقه نظری و رفتاری، غنی‌سازی گردد و نسخه بازتولید شده آن با نگاه آینده‌پژوهی در دسترس قرار گیرد. در این صورت، انسان سرخورده از ایسم‌های رایج می‌تواند قبله‌آمال خود را پیدا کرده و با پیمودن طریق وصال از رهگذر جهاد و مدیریت جهادی و کسب عزت و اقتدار در جایگاه حقیقی خویش قرار گیرد. بدیهی است، قرآن و سنت و منظومه فکری انقلاب اسلامی به بهترین وجه ممکن نرم‌افزار چنین مطلوبی را ارائه کرده است و با نظامات فکری و رفتاری پیشوایان دین می‌توان حقیقت و پیامدهای بازدارندگی، عزت و اقتدار و مدیریت جهادی و تفکر انقلابی را ترسیم نمود چراکه «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» و «أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» باور قطعی مؤمنان و راهبرد آنان در مسیر انجام وظیفه می‌باشد. فرهنگ غنی و الهام‌بخش اسلام و تمدن اسلامی و ایرانی همواره از اقتدار و کسب اقتدار روزافزون آن تحسین داشته و بدان افتخار می‌کنند. اقتدار مطلوب و مطالبه همه ملت‌ها در طول تاریخ بوده است. اقتدار به معنای قدرت مشروع است که برخاسته از رضایت و حمایت مردم بوده و امری کاملاً معقول و قابل دفاع می‌باشد. کشور و ملت مقتدر از طمع‌ورزی و تجاوز دشمن در امان است و به امنیت پایدار و پایداری امنیت می‌رسد. جهاد از ارزش‌های دینی و انقلابی است که در قرآن و سنت ریشه دارد و منطق آن برخاسته از وحی الهی و عقل سلیم است. مدیریت جهادی اولاً تکلیف دینی، عقلی و ملی مؤمنان و مسئولان قلمداد می‌شود و ثانیاً از ضرورت‌ها و اقتضائات اجتناب‌ناپذیر جامعه است. بنابراین؛ پرداختن به آن از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است.

۲. پیشینه تحقیق

موضوع از اولویت‌های اساسی کشور در مقطع کنونی است و مفهومی جدید است که چندان پیشینه‌ای ندارد و اثر تازه‌ای پیرامون موضوع تدوین و منتشر نشده است. بنابراین موضوع تحقیق در نوع خود جدید محسوب می‌شود.

۳. مفهوم جهاد

جهاد در لغت از کلمه جهد گرفته شده و به معنای مشقت فراوان می‌باشد. جهاد با کسر جیم مصدر جاهد یجاهد جهاداً و با فتح جیم زمین سفت و سخت می‌باشد. جهاد با فتح جیم و ضم آن به معنای طاقت و توان است. به طور کلی می‌توان گفت جهاد در تعریف لغوی عبارت است از به کار بستن تمام تلاش از سوی دو طرف برای راندن یکدیگر اگرچه به صورت تقدیر می‌باشد. مراد از تقدیری جهاد انسان با نفس خویش است. به این معنا که هرگاه دو گرایش متعارض در درون انسان با یکدیگر مبارزه کنند تا یکی بر دیگری پیروز شود انسان در هر دو سوی این کشمکش حضور دارد. کلمه جهاد را می‌توان مبارزه، جنگ و نبرد با دشمن با تمام توان و قدرت و امکانات دانست. در المنجد آمده است: «کوشش کردن، کوشیدن، مبارزه فی سبیل الله».^۴ در لسان العرب آمده است: «الجهاد محاربه الاعداء و هو المبالغه و استفراغ ما فی الوسع والطاقه من قول او فعل: جهاد جنگ با دشمنان است و آن به کار بردن نهایت تلاش و توان و طاقت از حرف یا عمل».^۵ پس به کار بردن همه توان در کاری که معمولاً با خواسته نفس هماهنگی ندارد؛ جهاد است و گفته‌اند جهاد «نبرد با نفس»، «نبرد با شیطان»، «جنگ با دشمن آشکار»، آیه شریفه قرآن بر قسم جهاد دلالت دارد و «جاهدوا فی الله حق جهاده».^۶

بنابراین؛ دو اصل اساسی در جهاد وجود دارد: ۱- دشمن و مانع ۲- جدّ و جهد و تحرک پس می‌توانیم بگوییم جهاد فقط کوشش و تلاش نیست بلکه جنگ با دشمن و به کار بردن نهایت وسع و طاقت در مقابل دشمن و خصم می‌باشد. با توجه به واژه اصلی جهاد، مفهومی که در تمام کاربردهای جهاد وجود دارد وارد شدن در آن با نهایت تلاش و توان تا آخرین حد ممکن است قصد فی سبیل الله نیز در اقدام عامل افزوده شدن ارزش جهاد است و خداوند به همه کسانی که فی سبیل الله جهاد می‌کنند وعده پیروزی داده است «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا»^۷ و آنان که در راه ما جهاد کنند قطعاً ما آن‌ها را به راه خودمان هدایت می‌کنیم» در این که مقصود از جهاد در اینجا چیست؟ آیا جهاد با دشمن است یا جهاد با نفس یا جهاد در راه شناخت خداوند از طریق علمی و استدلالی؟ مفسران احتمالات متعددی داده‌اند و در مورد کلمه «فینا» نیز احتمالاتی وجود دارد که منظور از «فینا» در آیه چیست؟ می‌توان گفت هم کلمه جهاد و هم کلمه فینا تعبیر وسیع و مطلق دارد. بنابراین؛ هرگونه جهاد و تلاشی را که در راه خدا و برای او و به منظور وصول به اهداف الهی صورت می‌گیرد؛ شامل می‌شود. خواه در طریق کسب معرفت باشد یا جهاد با نفس یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت و شکیبایی در برابر وسوسه معیشت باشد.^۸

۴. البستانی و فواد افرام، ۱۳۸۹، ص ۹۷

۵. ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۳۵

۶. حج / ۸۸

۷. عنکبوت / ۶۹

۸. مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ص ۳۴۱

جهاد در اصطلاح شرعی آن است که انسان با گذشتن از جان و مال خویش در راه برتری توحید و کلمه اسلام و پایداری رسالت اسلامی و اقامه شعائر ایمان و برافراشتن پرچم دین الهی با تمام امکانات خود تلاش و مبارزه نماید.^۹ جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی اند. یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد اما جهاد فقط این نیست، جهاد یعنی مبارزه. مبارزه در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز، مبارزه انواع و اقسامی دارد، مبارزه علمی داریم. مبارزه مطبوعاتی داریم، مبارزه سیاسی داریم، مبارزه اقتصادی داریم، مبارزه نظامی داریم، مبارزه آشکار داریم، مبارزه پنهان داریم، اما یک نقطه مشترک در همه این‌ها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است، در مقابل یک مانع است، مبارزه با دوست معنا ندارد، مبارزه در مقابل یک دشمن است.^{۱۰}

امام خامنه‌ای در دیدار با فعالان بخش اقتصادی حرکتی که در مقابل جهت‌گیری خصمانه انجام شود را از شرایط اصلی جهاد معرفی می‌کند و می‌فرماید: جهاد یعنی چه؟ هر تحرکی اسمش جهاد نیست. تحرکی با خصوصیات اسمش جهاد است. یکی از خصوصیات این تحرک که اسمش جهاد است. این است که انسان بداند این در مقابل دشمن است یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض‌آلودی است که دارد انجام می‌گیرد. حرکتی که در مقابل یک چنین جهت‌گیری خصمانه وجود دارد یکی از شرایط اصلی جهاد است.^{۱۱} مقام معظم رهبری جهاد در عرصه‌های مختلف را تأمین‌کننده امنیت ملی و اقتدار کشور می‌داند و می‌فرماید: تولید یعنی چه؟ مقصودم فقط تولید کالا نیست؛ تولید در یک گستره وسیع باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فناوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و انسان‌های کارآمد؛ این‌ها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگماریم. این تأمین‌کننده امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است؛ این یک جهاد است^{۱۲} جهاد باید همواره با ایثار باشد و الا جهاد نخواهد بود.^{۱۳}

۴. مفهوم جهاد کبیر

خداوند می‌فرماید: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»: پس از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز.^{۱۴} بدون شک منظور از جهاد در این آیه جهاد مسلحانه نیست. بلکه جهادی فرهنگی و تبلیغاتی که تمام ابعاد روح و جسم انسان را دربرمی‌گیرد و تمام جنبه‌های مادی و معنوی انسان را شامل می‌شود.^{۱۵} و بدون شک این جهاد مسلحانه نیست. چون این آیه شریفه مکی است و در مکه دستوری جهت جهاد مسلحانه صادر نشده بود. اصولاً اطاعت از دشمن و یا کفار به هیچ‌وجه به صلاح امت اسلام نیست و ذلت را به دنبال دارد. لذا اقتدار امت اسلام از طریق اطاعت و همراهی با آن‌ها رو به افول می‌نهد و سازش‌کاری با آن‌ها و دیگر منحرفان داخلی و خارجی آفت بزرگ دعوت به سوی حق است. یعنی در این آیه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد در برابر وسوسه‌های شیطانی کفار کوتاه نیا و با منطبق قرآن با کفار جهاد کن و آن‌ها را وادار به تسلیم و اصلاح بنما. نه آنکه تسلیم آن‌ها شوی و مواضع آن‌ها را بپذیری. لذا از این آیه می‌فهمیم که اقتدار امت اسلامی منوط به مقاومت برابر منحرفان است. این ایستادگی در برابر منحرفان را خداوند جهاد کبیر نامیده است و اصطلاح جهاد کبیر فقط یک‌بار در قرآن آمده است.

۹. نوری همدانی، ۱۳۶۶، ص ۲۱

۱۰. بیانات مقام معظم رهبری، در بازدید از پژوهشکده رویان، ۸۶/۴/۲۵

۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، ۹۰/۵/۲۶

۱۲. بیانات در دیدار با زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۸۵/۱/۱

۱۳. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های رهبری، ۸۹/۹/۱۰

۱۴. فرقان/ ۵۲

۱۵. مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۱۲۳

رهبر معظم انقلاب این موضوع را این گونه تبیین نموده‌اند. «ایشان ضمیر «به» در جمله «و جاهدهم به» را در مورد قرآن بیان داشتند، یعنی به وسیله قرآن با دشمن جهاد کن و بعد فرمودند ممکن است مرجع ضمیر عدم اطاعه باشد که برخی مفسرین هم به این مطلب اشاره داشتند که از جمله آنان ملا محسن فیض کاشانی و صاحب تفسیر کنزالدقائق و برخی تفاسیر هم در ترجمه آیه هر دو وجه را آورده‌اند.^{۱۶} رهبر معظم انقلاب در تبیین مفهوم جهاد کبیر فرمودند: «جهاد کبیر یعنی ایستادگی، عدم تبعیت از مشرکین و کفار، اطاعت نکردن از دشمن، از کافر، از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته.» بعد می‌فرماید: «تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. ایشان روی کلمه صراحت و شجاعت در تبیین حق تأکید کردند و بعد فرمودند: مشکل فعلی نظام در زمینه تبیین و روشنگری در همین دو واژه نهفته است و متأسفانه نوعی ملاحظه کاری و رفتار محافظه کارانه در رفتار بسیاری از مسئولان، برخی از علما و نخبگان و پیش‌قراولان جبهه نیروهای انقلاب حاکم شده است.»^{۱۷} تاریخ ما پر است از این محافظه کاری در بیان حقایق چه بعد از رسول خدا که با محافظه کاری امیر مؤمنان خانه نشین شد چه در دوران معاصر که موارد عدم بیان حق از سوی دانایان و مطلعان فراوان است و هدف اصلی آنان وادار کردن جبهه حق به کوتاه آمدن در برابر خواست دشمنان است که با تعامل صوری به منظور نفوذ و در سیستم قصد استحاله نظام اسلامی را دارند. به منظور مقابله با نیرنگ‌های دشمن و سازوکارهای دشمن نیاز به جهاد کبیر در عرصه‌های گوناگون، با منطق اسلام ناب، قرآن کریم و منطق انقلاب اسلامی و شهدای انقلاب نیاز مبرم احساس می‌شود.

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان می‌فرماید: این آیه شریفه دلیلی است بر اینکه جهاد فکری و تبلیغاتی در برابر وسوسه‌های گمراهان و دشمنان حق از بزرگ‌ترین جهادها است.^{۱۸} اگر ضمیر مطابق فرمایش امام خامنه‌ای به قرآن برگردد، این تعبیر عظمت قرآن را نشان می‌دهد چون قرآن وسیله‌ای است جهت جهاد کبیر و سلاخی است کارآمد که قدرت بیان و استدلال و تأثیر عمیق و جاذبیت آن مافوق تصور و استدلالات بشری است. اضافه بر این، اقتدار در میدان‌های علمی و دینی و معرفتی که در مباحثات با کفار و دشمنان جهت شکست آن‌ها مطرح می‌شود فقط در سایه منطق قرآنی و استفاده از قرآن در بیان حقایقی که بر کفار پوشیده است به دست می‌آید. ما نمونه‌های فراوانی از این گونه مباحثات در دوران معصومین علیهم السلام داریم و نمونه بارز آن مباحثات امام رضا با علمای ادیان مختلف در مقابل مأمون عباسی است که همه آن‌ها را هم با قرآن و هم با کتاب خودشان پاسخ دادند.^{۱۹} در مورد جاذبیت قرآن باید گفت تمام علما و دانشمندان به آن معترف‌اند و رساترین کلامی می‌دانند که تاکنون بشریت آن را شنیده و خوانده است و تأثیر قرآن بر دل‌ها و نفوذ آن در کلام دانشمندان و معصومین سلام الله علیهم اجمعین در روایات فراوانی وارد شده است و آن را شفای دل‌های مؤمنان و دیگران گفته‌اند. این تأثیر و جاذبیت اقتدار قرآن را می‌رساند و هیچ کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد. لذا خداوند به پیامبر دستور داده است که با این کتاب بر دیگران محاجه نماید و در کنار ایستادگی در مقابل دشمن باید با قرآن و منطق قرآن با دشمن روبه‌رو شود که ذلت‌پذیری و سازش کاری و چراغ سبز به دشمن نشان دادن از قرآن دور است. دشمنان نیز به تأثیر معنوی و روحی قرآن اعتراف کامل داشتند زمانی که پیامبر در مکه در میان دشمنان بود و نفوذ دشمنان غالب بود که به مردم امر می‌کردند که وقتی پیامبر مشغول تلاوت است در گوش‌هایشان پنبه بگذارند که قرآن در قلب آنان نفوذ نکند.

۱۶. بیانات مقام معظم رهبری، ۹۵/۳/۳، دانشگاه امام حسین (ع) و در تاریخ ۹۵/۶/۶، در جمع خبرنگاران رهبری

۱۷. همان

۱۸. طبرسی، ۱۴۰۹، ص ۱۳۲

۱۹. پیشوایی، ۱۳۷۹، ص ۵۱۵ - ۵۲۶

۵. ابعاد جهاد کبیر

در بحث جهاد کبیر و نقشی که در صحنه‌های مختلف می‌تواند این جهاد ایفا کند، مطالب فراوان است. در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای، فضای مجازی و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، نیاز به ارشاد و راهنمایی است. جهت پیشرفت تمامی امور یادشده، به جهاد کبیر نیاز است و به طور کلی نیازمند بعد مدیریت جهادی است. جهاد کبیر در امور اقتصادی به این معنا است که دانشمندان علم اقتصاد با مقالات و سخنرانی‌ها و ارائه برنامه‌های خوب، برای ایران اسلامی، هم از وابستگی اقتصادی جلوگیری کنند و هم تولیدات در ایران را در آنجایی که زمینه تولید وجود دارد، به حدی برسانند که قابلیت صادرات داشته باشد. در این زمینه اقتصاددانان باید ضعف‌های برنامه اقتصادی دولت را بیان نمایند و با ارائه راهکار مناسب این کشور از حالت تک‌محصولی خارج نمایند. پیشرفت مملکت به استقلال اقتصادی و تولید ملی و رفاه اجتماعی و فردی مردم بستگی دارد. تفکر و اندیشه در این زمینه و بیان خطرات وابستگی اقتصادی از بزرگ‌ترین جهادها محسوب می‌شود؛ چون کشوری که اقتصاد بومی و مستقل نداشته باشد، باید زیر یوغ کفار و بیگانگان باشد و این از بین برنده اقتدار ملی است.

همچنین جهاد کبیر در زمینه فرهنگی، بسیار مؤثر است. با این توضیح که اگر به فرهنگ دینی ما خدشه‌ای وارد شود و ذائقه فرهنگی مردم نسبت به فرهنگ غنی اسلامی تغییر کند، این علما و دانشمندان و متصدی فرهنگی مملکت هستند که باید به موقع اقدام نمایند و جلوی نفوذ فرهنگی دشمن را بگیرند. در واقع این خطر وجود دارد که: سهل‌انگاری نفوذ یهود و نصاری در فضای مجازی همان طور که در اندلس مسلمانان را ابتدا از فرهنگ اسلامی تهی کردند و جوان‌ها را بی‌بندوبار کردند و ضعف و سستی را بر آن‌ها مسلط ساختند، آن‌ها را از آنجا با ذلت اخراج کردند، الآن هم این خطر وجود دارد که با نفوذ در فضای مجازی و تغییر ذائقه جوانان نسبت به مقدسات و بی‌تفاوت کردن مردم نسبت به ارزش‌های دینی و انقلابی دشمنی را که از در بیرون کرده بودیم از پنجره داخل شود. چون هر اندازه که دشمن در فرهنگ دینی و انقلابی ما نفوذ کند و مردم را تغییر ذائقه دهد به همان اندازه از اقتدار ملی ما کاسته می‌شود و تنها با جهاد کبیر در عرصه ظاهراً خاموش فضای مجازی می‌توان جلوی این نفوذ را گرفت. دفع شبهاتی که دشمن در ذهن جوانان ایجاد می‌کند با جهاد کبیر قابل پیشگیری است و جلوگیری از ضعف در ایمان مردم و اعتقادات با جهاد کبیر قابل پیشگیری است.

از دیگر ابعاد جهاد کبیر، جنبه نظامی آن است. در اسلام یک اصل اساسی وجود دارد که تکلیف همه را روشن نموده است و آن اصل، اصل آمادگی همه‌جانبه جهت حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های امت اسلام و کیان اسلامی است آنجا که می‌فرماید: «و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه» این بدان معنی است که ای مسلمانان، تا آخرین حد امکان در برابر دشمن نیرو تهیه کنید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «آمادگی شما، بازدارنده دشمن است. آن روزی که دشمن حمله کرد، در ما احساس نا آمادگی نمود. آن روز هم اگر نیروهای مسلح مان آماده و منضبط بودند و فرماندهی درست و حسابی در رأسشان بود، به احتمال زیاد این حمله انجام نمی‌گرفت و دشمن ملاحظه می‌کرد. (اما چون در آن زمان ارتش از هم گسیخته بود و ما آمادگی نداشتیم چه از حیث سلاح، چه روحیه جنگی و نظم نظامی) دشمن در آن روز به طمع افتاد؛ اما ملت ما کاری کرده که امریکا نمی‌تواند در او طمع کند. نیروهای مسلح ما باید کاری کنند که هیچ دشمنی نتواند در استقلال، یکپارچگی و تمامیت ارضی ما طمع کند.» ایشان در قسمتی دیگر از سخنان خود می‌فرماید: «نیروهای مسلح ما به شجاعت اولی هستند. ملت ما، ملت با استقامتی است؛ نیروهای مسلح ما به استقامت اولی هستند. نیروهای مسلح باید کیفیت، استواری، سازماندهی مستحکم، آموزش در حد اعلی و آمادگی روزافزون داشته باشند.»

۵-۱. ابعاد جهاد کبیر در صدر اسلام

در بعضی از روایات آمده است که ابوسفیان، ابو جهل و بعضی دیگر از سران کفار و مشرکین در یک شب، جداگانه برای شنیدن آیات قرآن به طور مخفیانه، هنگامی که حضرت محمد (ص) مشغول نماز بود، هر یک به طوری که دیگری متوجه نشود، در نزدیکی پیامبر مخفی شدند و وقتی پیامبر آیات قرآن را تلاوت فرمودند، به تلاوت آیات توسط پیامبر گوش می دادند و آن قدر ماندند که موقع برگشت سپیده صبح دمیده شد. اتفاقاً هنگام برگشت همدیگر را دیدند و رازشان فاش شد و همدیگر را سرزنش نمودند. آنها تأکید نمودند که دیگر این کار تکرار نشود، چون اگر دیگران بفهمند که سران شرک، جهت گوش دادن قرآن نیمه‌های شب و مخفیانه در گوشه‌ای پنهان می شوند و به تلاوت قرآن گوش می دهند باعث دودلی و شک و تردیدشان خواهد شد. بعد از اینکه در شب اول این قرار را گذاشتند و باهم پیمان محکم بستند که دیگر جهت استماع آیات قرآن نزد پیامبر نروند. از آنجایی که جاذبیت قرآن وجودشان را فرا گرفت در شب دوم نیز این عمل را تکرار کردند و باز هنگام برگشت با یکدیگر روبه‌رو شدند و از این عملشان ناراحت و نگران گشتند و باز همان سخنان سابق را تکرار کردند و بر گوش ندادن به قرآن باهم عهد مجدد بستند. در عین حال، شب سوم همان برنامه تکرار شد. در بازگشت مجدداً همدیگر را ملاقات کردند و گفتند نباید از اینجا حرکت کنیم مگر اینکه عهدی مؤکد ببندیم بر عدم تکرار استماع قرآن و بعد از این از یکدیگر جدا شدند. فردا صبح یکی از مشرکان به نام اخنس بن شریق عصای خود را برگرفت و به سوی خانه ابوسفیان آمد و به او گفت بگو بینم عقیده تو درباره آنچه از پیامبر شنیدی چیست؟ ابوسفیان گفت به خدا قسم مطالبی شنیدم که معنای آن را به خوبی درک کردم ولی مسائلی هم شنیدم که معنای آن را نفهمیدم اخنس از خانه ابوسفیان بیرون آمد و به طرف خانه ابو جهل رفت و به او گفت تو درباره آنچه که از پیامبر شنیدی چه می گویی؟ ابو جهل گفت چه شنیدم مطلب این است که ما فرزندان ابو عبد المناف در افتخارات باهم رقابت داریم آن‌ها گرسنگان را اطعام کردند ما هم کردیم بی مرکب را مرکب دادند ما هم دادیم بخشیدند و انفاق کردند ما هم کردیم دوش به دوش هم جلو می آمدیم اما آن‌ها ادعا کردند که از ما پیامبری برخاسته که وحی آسمانی به او می رسد ما چگونه می توانیم در این امر با آن‌ها رقابت کنیم. حال که چنین است به خدا سوگند به او ایمان نمی آوریم و هرگز او را تصدیق نخواهیم کرد. اخنس برخاست و او را ترک کرد. آری جاذبه قرآن آن‌ها را شب‌های متوالی به سوی خود کشاند و تا سپیده صبح غرق این جاذبه الهی بودند ولی خودخواهی و تعصب و حفظ منافع مادی آنچنان بر آنها مسلط بود که مانع از پذیرش حق می شد.^{۲۰}

همچنین طبق نقل شیعه و سنی بعد از آنکه پیامبر عظیم الشان اسلام رحلت فرمودند، عده‌ای از فرصت استفاده نموده و در سقیفه بنی ساعده اجتماع کردند. آنان جهت بهره‌برداری از خلأ ایجاد شده برای تعیین خلافت با ابابکر بیعت نمودند. ابوسفیان که یک کافر به تمام معنی و یک معاند و سرکرده کفار بوده و اجباراً اسلام را پذیرفته بود جهت تفرقه و ایجاد دو دستگی در صف مسلمانان خود را به منزل علی (ع) رساند و گفت این الدلیلان یعنی این دو دلیل کجایند (منظور علی علیه السلام و عباس عموی پیغمبر بود) گفتند یا ابا سفیان منظورت از دلیلان چه کسانی هستند. گفت علی و عباس و وقتی با علی (ع) و عباس روبه‌رو شد گفت چرا نشسته‌اید بنی تمیم چه کسانی هستند که بخوانند رهبری را به دست بگیرند (منظور ابابکر است) و ادامه داد اما والله لئن شتتم لاملانها خیلاً و رجلاً. فناداه امیر المؤمنین علیه السلام: (ارجع یا اباسفیان، فوالله ما ترید الله بما قول، و ما زلت تکید الاسلام و اهله، و نحن مشاغل برسول الله صلی الله علیه و آله، و علی کل امرئ ما اکتسب و هو ولی ما احتقب).^{۲۱} این منابع و موضوعات باید مورد توجه جدی قرار بگیرد. ابوسفیان گفت: قسم به خداوند اگر بخواید مدینه را پر از سواره و پیاده می کنم. امیر مؤمنان به وی فرمود: ای ابوسفیان باز گرد؛ قسم

۲۰. ابن هشام، ۱۳۷۵ ق، ج ۱، ص ۲۳۷. مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ص ۱۳۱

۲۱. شیخ مفید، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۹۰

به خدا که در آنچه می‌گویی خدا را نمی‌خواهی! همیشه برای اسلام و مسلمانان نقشه کشیده‌ای؛ ما الآن مشغول (غسل و کفن و دفن) رسول خدا (ص) هستیم. و بر دوش هر کسی باری است که خود کسب کرده است و سرپرست آنچه جمع‌آوری کرده هموست.

در اینجا سؤال پیش می‌آید چرا حضرت علی علیه‌السلام سخن ابوسفیان و پیشنهادش را نپذیرفت. پاسخ روشن است چون در پیشنهاد ابوسفیان کمترین حسن نیتی نبود و نظر او ایجاد اختلاف و دو دستگی و کشمکش در بین مسلمانان بود. در اصل، ابوسفیان می‌خواست کینه نهفته در دل خود را مداوا کند.^{۲۲} بعد از سخنان ابوسفیان، حضرت علی علیه‌السلام او را ملامت کرد و فرمود تو جز فتنه و آشوب هدف دیگری نداری تو مدت‌ها بدخواه اسلام بودی مرا به نصیحت و پند و سواره و پیاده تو نیازی نیست^{۲۳} ابوسفیان درباره خلافت بعد از پیامبر متوجه اختلافات عمیق شد و قصد از بین بردن اسلام مخصوصاً امیرمؤمنان را داشت. چون اگر ابوسفیان لشکر و به قول خودش سواره و پیاده از وابستگان خود را وارد مدینه می‌کرد جنگی به پا می‌شد که قبل از عمر و ابابکر علی علیه‌السلام را که بزرگان لشکرش را از بین برد هدف قرار می‌داد. ابوسفیان در ارزیابی خود می‌گوید طوفانی ببینیم که جز خون چیز دیگری نمی‌تواند آن را خاموش کند. انی لاری عجا به لا یطفوها الا الدم.^{۲۴} ابوسفیان در ارزیابی خود دقیق بود و این فتنه‌گر بزرگ و رئیس کفار قریش جز با منطبق قرآنی علی علیه‌السلام و شناخت امام از او دل از این فتنه برنکند و اگر امام علیه‌السلام با او تندی نمی‌کرد و به قول امروزی‌ها به او چراغ سبز نشان می‌داد. مدینه النبی محل تاخت و تاز کفار می‌شد و فرمایش علی علیه‌السلام نیت او را آشکار کرد که فرمود تو در پی کاری هستی که ما اهل آن نیستیم تو جز فتنه و آشوب هدف دیگری نداری تو مدت‌ها بدخواه اسلام بوده‌ای مرا به نصیحت و پند و سواره و پیاده تو نیازی نیست.^{۲۵}

جواب امیرالمؤمنین به ابوسفیان در بردارنده نکاتی است که باید مختصراً به آن اشاره شود اول آنکه علی علیه‌السلام از اطاعت کافر سر باز زد و اصلاً نپذیرفت که ابوسفیان وارد ماجرای اختلاف بعد از پیامبر شود و او را سرافکننده و دست خالی از منزلش بیرون کرد. دوم اینکه از اعتماد به ظالم خودداری نمود و هرگونه رضایت از عملکرد کفار را نمی‌پذیرفت گر چه در ظاهر برای احقاق حق از دست‌رفته خود باشد پس درمی‌یابیم که جهاد کبیر علی علیه‌السلام باعث شد بعد از پیامبر کفار نتوانند در میان مسلمانان جولان بدهند و برای گرفتن حق خود، از دشمن استفاده نفرمودند و جان، مال، ناموس و عزت مسلمین را حفظ کردند و این همان معنای آیه ولاترکتوا الی الذین وظلموا^{۲۶} است که امیرالمؤمنین پرچم‌دار عمل به جهاد کبیر شدند.

۵-۲. جهاد کبیر در رهبران انقلاب اسلامی

با توجه به اینکه مسلمانان با واژه جهاد اصغر و جهاد اکبر آشنا هستند و در ادبیات دینی ما از این دو واژه بسیار استفاده شده است. لذا در مورد آن بحث‌های مفصلی صورت گرفت و علما و دانشمندان در مورد جهاد اکبر که بسیار سخت است و خودسازی انسان هدف اصلی این جهاد است و همچنین جهاد اصغر که جنگ در مقابل دشمن است بحث‌ها نموده‌اند و کتب و مقالات فراوانی در دسترس می‌باشد. اما در قرآن کریم از اصطلاح دیگری به نام جهاد کبیر سخن به میان آورده است که به نظر بنده یک جهاد مستقلی از جهاد اکبر و اصغر است گرچه این اصطلاح دیر هنگام تبیین شد و دیر هنگام وارد ادبیات دینی و سیاسی ما شد اما باید توجه کنیم

۲۲. ابن هشام، ۱۳۷۵، ق، ج ۴، ص ۳۰۸، طبری، ۱۴۰۸، ق، ج ۳، ص ۲۰۵

۲۳. ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۲: ص ۴۵

۲۴. ابن ابی الحدید، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۴

۲۵. همان

۲۶. هود / ۱۱۳

که مفهوم جهاد کبیر و دستور به مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن و تبعیت نکردن از دشمن و سر خم نمودن در مقابل دشمنان اسلام و مسلمین از جمله مفاهیم اصلی تشیع و از خواست‌های اسلام و مصالح اسلامی است.

مسئله جهاد کبیر از خواسته‌های اصلی امام خامنه‌ای است و ایشان بانی ورود مسئله جهاد کبیر به ادبیات دینی و سیاسی مسلمانان است. ایشان در مورد جهاد کبیر می‌فرمایند: امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار ضعیفی دارد. لکن جهاد باقی است و جهاد یک چیز دیگری است. در بین جهادها جهادی است که خداوند متعال آن را جهاد کبیر نام نهاده است «و جاهدْهُمْ بِجِهَادٍ کَبِیرٍ». یعنی به وسیله قرآن با آن‌ها جهاد کن.

جهاد کبیر یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن کافر. از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن یعنی تبعیت. تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا، در میدان‌های مختلف. تبعیت در میدان سیاست در میدان اقتصاد در میدان فرهنگ، در میدان هنر، در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن، این شد جهاد کبیر. اینکه از همه استعدادها موجود کشور دعوت می‌کنیم که استعدادها خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر مسئولان دعوت می‌کنیم که از این استعدادها استقبال بکنند این آن بخش فعال اجتماعی آن جهاد کبیر است.^{۲۷}

ایشان در این زمینه لازمه جهاد کبیر را آگاه‌سازی جامعه و شناساندن دشمن به مردم می‌دانند و می‌فرمایند نکته مهم دیگری که می‌بایست به آن توجه داشت این است که لازمه جهاد کبیر و ایستادن در برابر دشمن و تبعیت نکردن از خواسته‌های دشمن آن است که یک جهاد تبلیغی و آگاه‌سازی عمومی صورت گیرد تا مردم هم برنامه دشمن را بشناسند و هم بدانند که ایستادگی و ایستادن در برابر خواست دشمن به نفع آن‌هاست و هم راه این ایستادگی را بدانند.^{۲۸}

همان طور که از این فرمایشات مشخص شد که جهاد کبیر دستورالعمل امروز انقلاب اسلامی به مردم و مسئولان و دانشمندان و مبلغین است و مسئولیت مخصوصاً سران کشور و مسئولان نظام عدم تبعیت از دشمن و آگاه‌سازی مردم و جهاد روشنگری است که اگر این امر محقق شود دشمن در برابر ملت در ابعاد مختلف شکست خواهد خورد. چون جهاد کبیر و تبیین راه‌های نفوذ دشمن مانع از فریب مسئولین و مردم خواهد شد. چون بخشی از تبعیت کردن از دشمن به خاطر تهدید و تطمیع عوامل نفوذی دشمن می‌باشد.

وقتی در رفتار مبارزاتی امام خمینی (ره) دقت می‌کنیم سراسر گفتار و کردار او را در مسیر جهاد کبیر می‌بینیم. از شخصیت‌های بی‌نظیر در جهان اسلام بدون تردید می‌توان امام خمینی (ره) را نام برد که اسلام را احیاء نمود و جهاد به تمام معنا را تبیین فرمودند. ایشان در جهاد اکبر گوی سبقت را از همگان ربودند و پیش‌تاز مبارزه با نفس بوده‌اند و با رهبری خردمندانه شاهکاری بزرگ به جهانیان نشان دادند و بعد از جهاد نفس، جهاد کبیر را که همان تبیین مسائل اسلام و آگاه‌سازی جامعه بود را جزء برنامه اصلی و اساسی خود قرار دادند.

امام راحل در زمینه آگاه‌سازی مردم ابتدا به سراغ دانشمندان و علما می‌رود و وظایف آن‌ها را گوشزد می‌کند. در سال ۱۳۲۳ که هنوز رهبری جامعه را به دست نگرفته بودند به‌عنوان یک عالم دینی دلسوز موتور محرکه بقیه علما و دانشمندان می‌شود. ایشان

۲۷. بیانات، ۷۰/۶/۲۷

۲۸. بیانات، ۹۵/۳/۳

خطاب به علما و ملت ایران می‌فرماید موعظه خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده پذیرید و ترک منافع شخصی کرده تا به همه سعادت‌های دو جهان نائل شوید.^{۲۹}

خطاب امام خمینی (ره) در به حرکت درآوردن علماء برای قیام لله و مردم چنین است. هان ای روحانیون اسلامی! ای علمای ربانی! ای دانشمندان دین‌دار! ای گویندگان آیین دوست! ای دین‌داران خداخواه! ای خداخواهان حق‌پرست! ای حق‌پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطن‌خواه! ای وطن‌خواهان با ناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده پذیرید و ترک نفع‌های شخصی کرده تا به همه سعادت‌های دو جهان نائل شوید.^{۳۰}

ایشان پس از این سخنان که جهت به حرکت درآوردن عالمان دینی و وطن‌دوستان و شرافتمندان و حق‌پرستان جهت قیام لله و سرپیچی از امر طاغوت ایراد شد در ادامه فرمودند: خوب است دین‌داری را دست کم از بهائیان یاد بگیرید که اگر یک نفر آن‌ها در یک ده زندگی می‌کند از مراکز حساس آن‌ها با او ارتباط دارند و اگر جزئی تعدی به او شود برای او قیام کنند و شما که به حق مشروع خود قیام نکردید خیره‌سران بی‌دین از جای برخاستند و در هر گوشه زمزمه بی‌دینی را آغاز کردند و به همین زودی بر شما تفرقه‌زده‌ها چنان چیره شوند که از زمان رضاخان روزگارتان سخت‌تر شود.^{۳۱} تفرقه همیشه زیانبار است و مسلمانان از این ناحیه خسارت‌های زیادی دیده‌اند.

امام راحل از نادر افرادی است که با منطق قرآنی به تبیین مسائل اساسی برای امت اسلام پرداخت و در همان دوران جوانی این چنین مردم را و علما و دانشمندان را با پیام خود دعوت به قیام لله می‌کند و در مقابل دشمنان دین از آن‌ها ستون‌های محکم برای اسلام و اقتدار دین و کشور درست کردند و دولت مردان و مسئولان را دعوت می‌کند که حیثیت اسلام را حفظ کنند و با تقلید کورکورانه از غرب در مورد بی‌بندوباری دشمن را تقویت نکنند و اقتدار امت اسلام را تضعیف نکنند خطاب به مسئولان آن زمان می‌فرماید «کسانی که شما از آن‌ها تقلید می‌کنید دارند به آسمان می‌پرند شما به زن‌ها ور می‌روید.»^{۳۲} این تأکید و امثال آن پیام‌ها و پیامدهای بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند.

۶. انقلاب اسلامی و جهاد کبیر

در بررسی منابع تاریخی وضعیت اسف بار ایران را مشاهده می‌کنیم که همه مقدرات کشور دست اجنبی بود مردم در فقر مطلق گرفتار خائنان و زالوصفتانی بودند که سرمایه‌های مملکت را به یغما می‌بردند اکثر علماء و دانشمندان متعهد در حبس و تبعید به سر می‌بردند. نفت غارت می‌شد و درآمدی که از فروش نفت به دست می‌آمد یا با آن اسلحه می‌خریدند و مردم را می‌کشتند و یا مخارج طاغوتیان را تأمین می‌کرد اختیار مملکت در دست مستشاران خارجی و فراماسونرها و بهائی‌ها بود حتی جهت قانونی کردن ورود بهائیت و یهود قانون ایالتی و ولایتی را تصویب کردند که یکی از موارد آن قسم خوردن جهت احراز مسئولیت‌های مهم در ایران بود که به جای قسم خوردن به قرآن مجید، قسم خوردن به کتب آسمانی را آورده بودند که غیر مسلمان‌ها بتوانند مسئولیت بگیرند

۲۹. خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲.

۳۰. همان

۳۱. همان

۳۲. خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۸

آن‌هم رسماً و همچنین الغای شرط اسلام از رأی‌دهنده و انتخاب‌شونده باعث می‌شد که بهائیت سرنوشت کشور را به صورت قانونی به دست بگیرد.^{۳۳}

امام راحل در سخنرانی خود در ۱۹ آذر ۱۳۴۱ برای جمعی از مردم تهران می‌فرماید: این‌ها می‌خواستند با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و الغای شرط اسلام از رأی‌دهنده و انتخاب‌شونده، مقدرات مسلمین را به دست غیر مسلمانان مانند یهودی‌های بهایی بسپارند. اگر استان‌های این کشور به دست غیرمسلمان بیفتد چه بسا ممکن است از حلقوم خبیث آنان صدایی غیر از قرآن شنیده شود... نه تنها اسلام و قرآن حفظ نخواهد شد، بلکه تمام حیثیات شما خواهد رفت.^{۳۴} امام خمینی (ره) در این سخنرانی می‌فرماید: «به‌هر حال علمای اسلام نمی‌خواهند فساد تولید شود و در مقام حفظ قرآن و کشور خود سهیم هستیم.» جهاد کبیری که امام خمینی (ره) شروع کردند یک ملت مستضعف را روشن نمودند. امام با منطبق قرآنی آن‌چنان در مردم نفوذ داشتند که ملت به فرمان ایشان لحظه‌ای دستگاه جبار را آرام نگذاشتند البته صدماتی به مردم وارد شد و شهدای گران‌قدر تقدیم کردند اما با نفس مسیحایی امام هرگز کوتاه نیامدند. امام در بوجوه انقلاب افشاگری‌های ارزشمندی در تمام زمینه‌ها داشتند و مردم را مصمم به ادامه این مسیر مقدس تا سقوط شاه می‌کردند در این زمینه امام در سال ۵۷ خطاب به ملت ایران فرمودند: خواهران و برادران عزیز صبور باشید. سستی و ضعف از خود نشان ندهید. راه شما راه خدا و اولیاء خداست. خون شما در راهی می‌ریزد که خون پیامبران و امامان و اصحاب صلاحیت‌دار آنان ریخته شد شما به آنان می‌پیوندید و این نه تنها غم ندارد که شادی‌آور است.

۷. نتیجه

جهاد به مبارزه و جنگ ایثارگران با دشمن در راه خداوند اطلاق می‌گردد. آیات جهاد در قرآن کریم و روایات رسیده از پیشوایان معصوم پشتوانه نظری جهاد هستند. سیره عملی پیشوایان همواره توأم با جهاد بوده به‌گونه‌ای که اسلام و حکومت اسلامی پس از هجرت پیامبر گرامی اسلام به مدینه در سایه جهاد فی سبیل‌الله شکل گرفت. امیرالمؤمنین علی (ع) عمر پربرکت خویش را در جهاد گذرانید و مجاهدت از بزرگ‌ترین افتخارات آن حضرت می‌باشد. در نهضت حسینی (ع) و گفتمان مهدویت (عج) پرچم اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام در سایه جهاد برافراشته می‌شود. جهاد آثار و برکات فراوانی در زندگی فردی و جمعی بشر دارد و حیات بشری از امنیت و آرامش برخوردار می‌شود. بنابراین، در جهاد اولاً جنگ و تقابل تمام عیار نهفته است و ثانیاً این تقابل باید علیه دشمن باشد و ثالثاً انگیزه الهی و در راه خدا بودن اولویت دارد. جهاد دارای اقسامی است، جهاد فرهنگی، جهاد سیاسی، جهاد دفاعی و جهاد در هر عرصه‌ای که در مقابل تهدیدهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی دشمن و غیر آن‌ها مصادق پیدا می‌کند. جهاد از فروع دین مبین اسلام و وظیفه‌ای همگانی است، یکی از مصادیق آشکار و مهم معروف‌های اعتقادی و دینی به شمار می‌رود. جهاد و مقاومت در برابر دشمن نه تنها از واجبات دینی و تکالیف شرعی است بلکه عقل و عرف نیز آن را واجب و لازم می‌داند. تا بلاد اسلامی و ناموس مردم و مرزهای جامعه اسلامی از دستبرد دشمنان و تجاوز بیگانه در امان باشد. جهاد برای حفظ امنیت و آرامش مردم امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. دشمن از جهاد و ملت مجاهد می‌ترسد، جهاد بازدارنده تهدیدهای دشمن خواهد بود. مسلمانان در سایه جهاد از عزت و عظمت برخوردار می‌شوند. جهاد کبیر حبل‌الله است و انسان مجاهد در فضای جبهه و جهاد از دنیا بریده و به خالق هستی متصل می‌گردد و بدین وسیله از همه چیز و همه کس می‌گذرد تا رضایت هر چه بیشتر معبود را جلب نماید. منظور

۳۳. قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اولین دوره مجلس شورای ملی به منظور تشکیل شورای استان و شهرستان به تصویب رسید که شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن از شرایط انتخاب‌شوندگان حذف شد و در ۲۴ مهر ۱۳۴۱ توسط اسدالله علم (نخست وزیر وقت) ابلاغ شد و با مخالفت امام و دیگر مراجع و مردم در آذر ماه همان سال لغو شد.

۳۴. خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۹ - ۱۱۵

از جهاد کبیر، جهاد در عرصه فرهنگی و تبلیغاتی است. انقلاب اسلامی با مجاهدت انسان‌های مجاهد وارسته شکل گرفت و در سایه جهاد به پیروزی رسید. در هشت سال دفاع مقدس به واسطه مجاهدت خداپسندانه مردم تمامیت ارضی و استقلال و امنیت پایدار برای کشور تأمین گردید. دشمن بدین واسطه قدرت و انگیزه تجاوز به سرزمین ایران را از دست داده است. جهاد اضلاع گوناگونی دارد. ۱- تفکر و بینش جهادی ۲- انگیزه و روحیه جهادی ۳- رفتار جهادی و در نهایت مدیریت جهادی؛ اضلاع جهاد هستند. جهاد نوعی تفکر و عقیده و بینش است که تولید انگیزه می‌کند و به انسان روحیه جهادی می‌بخشد و علاوه بر آن به رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های او شکل و جهت می‌دهد و چارچوب و الگوی بسیار ارزشمندی به مدل مدیریت و الگوی اداره کشور ارائه می‌دهد. از سوی دیگر تحول همه‌جانبه و فراگیر در سیاست، اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و دیپلماسی از یک سو شریعت‌گرا و وحی‌بنیان می‌باشد و از سوی دیگر برخاسته از افکار و عقاید و آرای ملت ایران است. از چنین پدیده‌ای به هویت اسلامی و انقلابی و ایرانی تعبیر می‌شود. دشمن از نیروهای جهادی و انقلابی واهمه دارد و از آن‌ها حساب می‌برد. بدین واسطه دائماً علیه آن‌ها فضا سازی کاذب و جوسازی می‌کند و تلاش می‌کند مردم را نسبت به آن‌ها بدبین و از آنان دور سازد. از طرفی از نیروها و جریان‌هایی که تفکر و روحیه جهادی و انقلابی ندارند اعلام حمایت کرده و مسئولیت و مدیریت آن‌ها را همسو با منافع و خواسته‌های خود قلمداد می‌کند. بنابراین اقتدار آن است که دشمن را از سلطه و تجاوز به کشور ناامید سازد و چنین مطلوبی تنها در سایه رفتار جهادی و انقلابی رقم خواهد خورد.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۳، دار صادر، بیروت.
۲. ابن هشام (۱۳۷۵ ق)، السیره النبویه، ج ۴، تحقیق گروهی، چ دوم، مصر.
۳. البستانی و فؤاد افراهم (۱۳۸۹)، ترجمه بندرریگی محمد، فرهنگ جدید عربی فارسی منجدالطلاب به ضمیمه فرائد الادب، انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم.
۴. پیشوایی، مهدی (۱۳۷۹)، سیره پیشوایان، تهران.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵)، دشمن‌شناسی؛ شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، تهران.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵)، حدیث ولایت، ج ۳، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
۷. خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر انقلاب، تهران.
۸. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰)، صحیفه انقلاب؛ وصیت‌نامه سیاسی الهی، چ هفتم، دارالفکر، قم.
۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، چ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران.
۱۰. خمینی، روح‌الله (۱۴۲۵ ق)، تحریر الوسیله ترجمه علی اسلامی، ج ۲، انتشارات اسلامی، قم.
۱۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱)، استفتائات، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران.
۱۲. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۰۹)، مجمع البیان، جلد ۱۷، ترجمه دکتر احمد بهشتی، انتشارات فراهانی، چاپ مشعل آزادی، تهران.
۱۳. قرآن کریم، ترجمه سید رضا صفوی (۱۳۸۵)، بر اساس تفسیر المیزان، چ اول، دفتر نشر معارف.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸)، تفسیر نمونه، ج ۸، قم.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸)، تفسیر نمونه، چاپ پنجم، ج ۱۵، قم.
۱۶. مفید، الارشاد فی معرفه حج الله علی العباد، ج ۱، قم.
۱۷. نوری همدانی، حسین (۱۳۶۶)، جهاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم.
۱۸. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹)، چ چهارم، دفتر نشر الهادی، قم.

The role of the Great Jihad in the Islamic Revolution

Abstract:

The present article seeks to answer the basic question that, considering the fundamental transformation of the Islamic Revolution in all dimensions and fields based on Islam and people's participation, what is the role of the Great Jihad in the Islamic Revolution and how can it be established (problem). The current research is a qualitative study, a descriptive-survey research method. The collection of information in this article has been done using documentary sources, the library including books, articles and lectures (method). The Great Jihad refers to the cultural and advertising activities that have become inextricably linked with the Islamic Revolution, and it can be said that Jihadi thinking, spirit and behavior means revolutionary thinking, spirit and behavior, revolutionism leads to gaining authority, and not having a Jihadi spirit causes weakness and he/she is humiliated and loses his/her existing authority. The result of that is many effects and blessings in the individual and collective lives of the Islamic Revolution, including security and peace. In this research, the role of the Great Jihad in the Islamic Revolution was taken into consideration with regard to its various dimensions as well as the practical life of the leaders of Islam and the leaders of the Islamic Revolution (findings).

Keywords: Great Jihad; Islamic Revolution; Jihadi Spirit; Practical Life